



سؤال المکرم ۱۲۰۰

مزه دوسم

این وزنه شریفه ماسی یک مزه طبع برسد



نواب ملک آرا

نواب الاعباس میرزا ملک آرا که از اخوان جلیل الشان اعلیحضرت قدس عانیون شاهنشاهی خلد الله ملکه و بعد از شخص انوار اولاد شاهنشاهی



خطبایکایه مضی انار اتمبر بانهتند دارا کجی لالت صورتی معنوی فضایل و معلومات عهد جدید بولسنه اصطلاحات خارج از بوس

در اول این عهد بیا چون چند نوبت بکرم در عراق عرب با قاست کرده بجا ورت عیانت عالیات قلم طاعات و مشروبات بود در سنه ۱۲۸۶ سرارود و
که موکب بیا چون بساحت عراق عرب عطف عنان فرموده بود عراق قریب و محسوس اخوت مهتج شده نواب معظم امعاودت در بارود و لاسار
این که در سال سرارود و سیت و فوج نواب مغربی لیه بصوبه دار الخلافه الباسر عزیمت و بشمول الطاف و مکارم علیه خیر انال
بلقب جلیل ملک آرائی ملقب با عطاء مرسوم و بر ارتحال و سیوغال و رجوع حکومت خسته و بعد ایلت قزوین انواع صنوف توهمات
قرین فراغ خاطر و نباهت باطن و ظاهر بعبوده و بشد و امیرزاده محمد میرزا فرزند ایشان نیز بترتبه سیر می مرسات کانی در
بخدمت اشتغال دارد و اتحق نواب معظم در کلیه امور مذهب با تجربه با وضاع و احوال مطلع و مستبصر و آیین حکمرانی بقضای عدالت مفسطوری

حسن عقاید مرضی خاطر خطیر مایونی و مقبول طبایع امانی بشد

جناب قوام الدوله

میرزا عباس خان قوام الدوله با قضای ساقه و قابلیت ذاتی و مراتب انش و درایت فطری از بیاد ای عهد بیا چون در سلک منشیان
مخصوص دولت منسلک و در وزارت جلیله خارجیه سمت منشی اولی داشتند در سال سیم جلوس بیا یعنی واقاتی که در در السلطه اصغمان و
موکب بمیون بمانه مودت ختایه تعلیمات مخصوصه نامور بطرز بویغ در بارود و لقب بهتیه روسیه که دیدند در سنه سرارود و سیت و بنفاد
بلقب خانی و نشان و حایل از درجه اول سرتنگی نایل و بنفاد و منصب نیابت وزارت امور خارجه سرافراز و در سال بنفاد و پنج منصب نیابت
و لقب معاونی وزارت جلیله خارجیه بصوبه و لقب با ذره کلبه امور و مهمام خارجیه مملکت آذربایجان نامور که دیدند در سنه بنفاد و شش نشان و حایل
سرتپی و نیم نائل آمده پس از چند سال تقدیر خدمت و اقامت در آذربایجان احضار بدربار بیا چون شد بلقب معاون الملکی منصب نیابت
اول مبابی شدند در سال شش و شش محاسبه دار الخلافه طهران مضافا بجناب مغربی لیه تفویض شد پس از چندی استیفای لازمه و محاسبه
خزای عامه و محاسبه بعضی وزیر کیر دولتی انیز مغربی لیه و کذا فرمودند در سال سرارود و سیت و دو بسخطاب جلیل خانی مخاطب در
وزرای عظام در بار اعظم و دار الشورای و لتی منسلک کرده و در سنه پنج و شش بوزارت سائل خاصه دولتی نیابت بجناب مغربی لیه

تفویض شد در سال سرارود و سیت و دو بلقب جلیل قوام الدوله ملقب و منقحر شدند و در تمام انیدت به شغل و حدی نامور منصوب شدند

بطوریکه منظور از نور و مقبول خاطر بعضی از منظرین شمیراری بوده با مقضای لیاقت و صداقت آن عهده انجام آن آمده و بفرمان

الطاف بهما یوننی و امتیازات و نسی از قبل نشان مثال بهما یونن کثرتی غیره افزوده



جناب قوام الدوله

بقیه فر سعادت اثر پادشاهی کبیری پناه ابد الله شوکت بهما رستاق

چهارشنبه ششم جمیع سوره فتمین چمن لیر آقا بگردان و بعضی سنگهای معدنی از سنک آورده و در ملاحظه شد بعضی از سنگهای

ذرات طلا بود عصری مراجعت بنزل کردیم حاجی بفر فلجان پارکی ای ام سوره شامسون خسته شده است و با ما

پنجشنبه چهارم صبح زود خواب بجاخته سوار شدیم سرگرد سنکنا قما بگردان و ند قدری راحت کرده سوار شده در نیم
 انطرف کرد تا لب و خانه و ارو و اینجا کوسفند زیادی از مردم لته کوی باز داشت که از نماز ستاقی اجاره کرده همه ساله در فصل تابستان
 اینجا بچرا می آید قدری اینجا تفریح و تماشا کرده از راه بسیده و کوه مرجهت منزل کردیم هوا به شدیدی گرفت باریک شد راه بهم بود
 قدری سخت آمدیم تا بحضرت بغروب مانده وارد منزل شدیم

روز جمعه پنجم رمضان باید از نماز ستاق ویم بطرف بلده و غیره اصبح بجاخته سوار شده از راه ابر ای سخانی فقیم پایین اصفا
 اما سر کوهها راه دارد و چکنی می آید راندم بچمن پورت اولی که بدریا ک معرفت ابراهیم خان لاریجانیها فرخص شد فستند جاوه اگر
 رو بطرف مغرب اندیم این اهبارا امیر شکار بدستاری حاجی غلام رضای آملی ساخته است خوب ساخته اند و لا امکان عبور مال اینجا باندا
 کم کم سربالاشدیم کوه و خانه کوچکی که قریب پشت سنک آب دارد از طرف دست است می آید جاوه در دست چپ است قدری بغله
 و پرگاه بود بطرف و خانه تا ساخته بودند بعد راه وسعت پیدا کرد و کم کم زراعت دیده میشود چشمهای اطراف کوهها و دامنهای آنرا
 تشکیل میدهند رودخانه کاسی بطرف دست چپ کابهی دست است جاوه می افتد همه جا سبزه لاراندیم تا بجایی که قدری سطح زرا
 رسیده قدری اینجا استراحت کرده سوار شده قدری راندم پسای کرده و کتل است عمودی رسیدیم که راه خیلی الملس تر شد بی آبی
 که مرتفع نسبت از نماز ستاق طایفه نایبجی باج کرده کوسفند آورده اند از بخش طرف دست چپ رشته کوههای سنک کوه کبود
 آبشار بسیار سنگی از آبهای که تشکیل یافته از بالا پایین میسیرند همین رودخانه که ذکر شد در حقیقت منبعش این آبشار است بعد قدری میرود کف
 از دست چپ کوه سفیدی که معدنست اما نمیدانم معدن کچیت سنگی دیگر بر چه هست بسیار نرم و سفید است پیدا میشود در رشته این کوه جا
 الی یارود و نور سدا در دیلی کوه تماشا نمی است باز راه زیادی که طی شد بیک چمن وسعت کابهی رسیدیم که در حقیقت اینجا سرحد نماز ستاق
 و یارود و بلده است که آب انطرف نماز ستاق میریزد آب انطرف بلده و غیره داخل میشود راندم سربلین اه زیادی شانه
 و چمن نازر رسیدیم این مزرعه مال مرحوم حاجی ملا تقی لارودی برادر میرزا احمد ستونی است آب نازر بمینظر از دره سرازیر میرود و رودخانه
 بلده میریزد راه اردو و زنگ کرده و دیگر است که باز کوه کچیت بغله و سربالای سخنی دارد زیر کرده دو دریاچه کوچک از آب انمنهای کوه

تشکیل یافته یکی این طرف جاوه و دیگری آن طرف جاوه واقع است بقعه در فتره آهسته محمد حسن